



## درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس (الثالث: الكنز)  
 موضوع جزئی: مقام دوم: تفسیر کنز (جهت سوم: جنس مخرج)  
 سال پنجم  
 تاریخ: ۱۱ اسفند ۱۳۹۳  
 مصادف با: ۱۱ جمادی الاولی ۱۴۳۶  
 جلسه: ۸۲

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم در مورد مدخلیت جنس مخرج در کنز موضوعاً و حکماً بین بزرگان اختلاف شده است لذا در جهت ثالثه بحث را در دو حیث تعقیب کردیم. در حیث اول که بحث از مدخلیت جنس مخرج در کنز به حسب موضوع و مفهوم کنز بود عرض کردیم حق آن است که جنس مخرج در صدق مفهوم کنز مدخلیت ندارد؛ چون از نظر عرف کنز به مطلق مالی که در زمین یا غیر زمین مستور شده باشد اطلاق می‌شود. البته فقط یک خصوصیت معتبر است و آن هم این است که آن مال مخرج باید قیمتی باشد و اگر چیزی بی‌ارزش باشد، عرفاً به آن کنز نمی‌گویند و در لغت هم به عنوان کنز شناخته نمی‌شود. اما در حیث دوم یعنی مدخلیت جنس مال در حکم کنز گفتیم چهار قول وجود دارد؛ یکی قول به اعتبار نقدین در ثبوت خمس بود که گفتیم جمعی از بزرگان و چه بسا مشهور اصحاب بر این باورند که خمس در درهم و دینار ثابت است و اگر آن مال غیر از درهم و دینار باشد هر چند طلا و نقره باشد خمس به عنوان الكنز در آن ثابت نیست هر چند به عنوان مطلق فائده با شرایط خودش متعلق خمس باشد. اقوال دیگر را هم که در این بحث وجود داشت بیان کردیم. حال به بیان دلیل قول اول که به عنوان قول مشهور معرفی شده می‌پردازیم.

### ادله قول اول: (ثبوت خمس در نقدین)

چند دلیل بر این قول ذکر شده است:

#### دلیل اول

اساساً کنز لغتاً و عرفاً به خصوص طلا و نقره مستور و مذخور فی الارض اطلاق می‌شود یعنی اهل لغت کنز را به درهم و دیناری که در زمین ذخیره شده باشد، معنا کرده‌اند و در عرف هم همین معنا برای کنز پذیرفته شده بنابراین اگر معنا و مفهوم کنز لغتاً و عرفاً عبارت از درهم و دینار مذخور فی الارض باشد، قهراً حکم و جوب خمس فقط در درهم و دینار ثابت می‌شود چون ادله، خمس را در کنز ثابت کرده و کنز هم طبق فرض عبارت است از درهم و دینار مذخور فی الارض. نتیجه اینکه خمس فقط در درهم و دینار ثابت است.

این دلیل شاید دلیلی است که بخش قابل توجهی از اصحاب به آن اعتماد کرده‌اند و لذا خمس را فقط در درهم و دینار ثابت می‌دانند یعنی در نقدین. این همان احتمال اولی بود که جلسه گذشته مورد اشاره قرار گرفت.

#### بررسی دلیل اول

این دلیل همان گونه که اشاره شده محل اشکال است. همان طور که ما هم جلسه گذشته و هم ابتدای این جلسه اشاره کردیم از نظر لغت و عرف جنس مال مخرج در موضوع کنز مدخلیت ندارد و حق آن است که کنز عبارت است از هر مال

قیمتی مستور فی الارض و آن جهاتی که بعضی به آن اتکا کرده‌اند و بر اساس آن نتیجه گرفته‌اند که کنز عبارت از خصوص نقدین است، به نظر ما مورد قبول نیست. اگر ما برای کنز یک معنای عامی قائل باشیم و دایره مفهوم کنز را توسعه بدهیم و شامل هر مال قیمتی هر چند طلا و نقره نباشد، بدانیم قهراً بر اساس ادله، حکم روی این معنای عام ثابت می‌شود.

این مسئله یعنی عدم مدخلیت جنس مال مخرج در کنز موضوعاً مؤیداتی هم دارد از جمله روایتی که بر اساس آن عبدالمطلب کنزی را پیدا کرد و خمس آن را اداء نمود. ظاهراً آنچه عبدالمطلب پیدا کرده بود، نقدین نبود. لذا بطلان دلیل اول با توجه به مطالبی که گفتیم واضح و روشن است.

### دلیل دوم

دلیل دوم صحیحه بزنی است لکن به تقریبی که محقق همدانی بیان کرده است؛ چون در مورد استناد به این صحیحه برای اثبات خمس در خصوص نقدین تقریب‌های مختلفی ذکر شده است. اساس این دلیل در کلمات محقق همدانی آمده و محقق خوئی هم همین بیان را تقریباً ذکر کرده‌اند.

قبل از اینکه تقریب استدلال به صحیحه بزنی بیان شود توجه به این نکته لازم است که در دلیل اول اصل شمول مفهوم کنز لغتاً و عرفاً پذیرفته نشد؛ در دلیل اول گفته شد مفهوم کنز فقط شامل نقدین است لذا حکم هم در مورد نقدین ثابت می‌شود اما طبق دلیل دوم کنز لغتاً و عرفاً معنای عامی دارد و مختص به درهم و دینار نیست و هر جواهر و سنگ قیمتی را دربر می‌گیرد ولی به خاطر صحیحه بزنی خمس فقط در خصوص نقدین ثابت شده است. پس دلیل دوم بر این اساس بنا شده که کنز هر چند مفهوماً معنای عامی دارد اما حکمش به خاطر صحیحه بزنی به یک صنف خاصی از کنز محدود شده است.

عبارت محقق همدانی گذشت؛ ذیل عبارت محقق همدانی این بود «والاظهر هو الاختصاص» که خمس مختص به نقدین است «لصحیحة البزنی». صحیحه بزنی را قبلاً نقل کردیم: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ مِنَ الْكَنْزِ فَقَالَ مَا يَجِبُ الزَّكَاةُ فِي مِثْلِهِ فَفِيهِ الْخُمْسُ»<sup>۱</sup>.

طبق این روایت بزنی سؤال کرده از کنزی که متعلق خمس واقع می‌شود که در چه صورت خمس در کنز واجب می‌شود؟ سؤال بزنی به حسب ظاهر سؤال از جنس و ماهیت کنز است. پاسخ امام (ع) هم مبتنی بر همان چیزی است که در سؤال ذکر شده است. امام (ع) فرمودند: «ما يجب الزكاة في مثله ففيه الخمس»؛ آنچه که در مثل آن زکات ثابت است خمس هم در آن ثابت است. تأکید امام (ع) روی قید مماثلة است. این مماثلة ظاهراً به واسطه سؤال و به قرینه آن، از حیث جنس است یعنی همان چیزی که متعلق زکات است اگر به عنوان کنز از زمین استخراج شود، متعلق خمس هم قرار می‌گیرد. متعلق زکات چیست؟ زکات به مطلق ذهب و فضه متعلق نمی‌شود بلکه به نقدین و به خصوص درهم و دینار تعلق می‌گیرد. چون سؤال از متعلق خمس است و امام (ع) هم در جواب از همان حیثی که در سؤال گنجانده شده پاسخ داده‌اند، پس معلوم می‌شود جنس کنزی که متعلق خمس است همان جنس زکات است یعنی همان نقدین (درهم و دینار).

۱. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۹۵، باب ۵ از ابواب ما يجب فيه الخمس، حدیث ۳؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱، حدیث ۷۵.

بنابراین کنز هر چند مفهوماً بر طلا و نقره غیر مسکوک هم اطلاق می‌شود و هر چند به غیر طلا و نقره من الاحجار الکریمه هم اطلاق می‌شود اما در آنها خمس واجب نیست چون امام (ع) در جواب سؤال بزنی گفتند: «ما یجب الزکاة فی مثله ففیه الخمس» هر چیزی که در مثلش زکات واجب است خمس هم در آن واجب است. زکات در درهم و دینار واجب است پس خمس هم فقط در درهم و دینار کنوز واجب است. این محصل استدلال به صحیحه بزنی است.

مسئله مهم این است که این صحیحه قهراً اطلاقات وجوب خمس در کنز را تفسیر و تبیین می‌کند لذا ما نمی‌توانیم به اطلاقات خمس در کنز اخذ کنیم. در مطلقات در مورد کنز سؤال شده که آیا چیزی در آن ثابت است؟ امام فرمودند: «فیه الخمس» یا شبیه آن. وجوب روی مطلق کنز رفته اما به واسطه صحیحه بزنی آن اطلاقات یا تفسیر می‌شود یا مقید می‌شود. این لسان، لسان تفسیر یا تقیید آن اطلاقات است یعنی آن کنزی که گفته شده خمس در آن واجب است، همه مکنونات نیست بلکه خصوص تقدین است. این محصل استدلالی است که اینجا بیان شده است.

البته این مماثلت نه فقط در خصوص جنس درهم و دینار بلکه از حیث مقدار هم هست. یعنی همان طور که درهم و دینار اگر به بیست یا دویست می‌رسید زکات واجب بود در اینجا هم به واسطه صحیحه بزنی نصاب عبارت است از بیست دینار یا دویست درهم. لذا نصاب کنز هم مثل نصاب زکات است. مال مکنون اگر به دویست درهم یا بیست دینار برسد باید خمسش داده شود.

**بحث جلسه آینده:** اشکالات مختلفی نسبت به این دلیل ایراد شده که باید مورد بررسی قرار گیرد تا ببینیم می‌تواند وافی به مقصود باشد یا نه.

### **سبک زندگی حضرت زهرا (س) راه‌گشای مشکلات جامعه**

یکی از مسائلی که امروزه یک ضرورت و حتمیت غیر قابل انکار پیدا کرده معرفی شخصیت حضرت زهرا (س) و سبک زندگی آن حضرت است. فضائل حضرت زهرا (س) به تفصیل در جای خودش بیان شده. مقام علمی، اخلاق و حلم و نزول جبرائیل بعد از پیامبر که حتی برای احدی از معصومین هم اتفاق نیفتاد است. جبرائیل در خانه‌ای و بر کسی فرود می‌آید که قابلیت و ظرفیت اتصال با حقیقت آن عالم را داشته باشد. نفس این ارتباط بین جبرائیل و حضرت زهرا (س) حکایت از سعه وجودی امّ ابیها می‌کند. مصحف فاطمه (س) مطالبی بود که در آن ایام بعد از رحلت پیامبر توسط جبرائیل به امّ ابیها گفته شد و امیرالمؤمنین (ع) هم آن را مکتوب کردند. حقائق و معارفی توسط جبرائیل به وجود مقدس و نورانی فاطمه زهرا (س) القا شد. این هم به خاطر تسلاهی وجود مقدس حضرت زهرا (س) بود که بعد از رحلت پیامبر (ص) به شدت غمگین و ناراحت بود فراق پدری که آن محبت‌ها و علاقه‌ها را به دخترش داشت. اذیت و آزارهایی که صورت گرفت همگی باعث شد که خداوند برای تسلی حضرت زهرا (س) در این مدت عمر و این مدت کوتاه بعد از رحلت پیامبر این ارتباط صورت بگیرد.

اما چیزی که امروز همه مسلمین و بلکه همه مردم دنیا به آن نیاز دارند این است که این الگوی استثنایی معرفی شود تا به عنوان یک تابلوی زیبا در معرض دید قرار بگیرد و رفتارها و زندگی‌ها در آن مسیر بیفتند. امروزه بسیاری از مشکلاتی که دامن گیر جوامع بشری و جوامع اسلامی شده و بسیاری از نابسامانی‌های جامعه خودمان ناشی از دور شدن از این

الگوها است که متأسفانه آن طور که باید و شاید در رابطه با آن تبلیغ نمی‌شود. مصائب حضرت زهرا (س) هم استثنایی است. رنجهای ایشان هم استثنایی است اما آنچه که حضرت زهرا (س) را ممتاز می‌کند و به تعبیر پیامبر (ص) سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین قرار می‌دهد این است که این مصائب و مشکلات و گرفتاری‌ها، روش و سبک زندگی دینی و اخلاقی و اعتقادی آن حضرت را ذره‌ای تغییر نداده است. الان در زندگی‌ها مشکلات زیاد است؛ هر یک از این مشکلات ناشی از عاملی است. بخشی ناشی از فقر و بخشی ناشی از لابلالی‌گری و بخشی ناشی از بی‌توجهی به مسائل دینی و بخشی کمبودهای اخلاقی است. اما چقدر ما دنبال ریشه‌یابی و علت‌یابی این مشکلات و حل کردن آنها به روش صحیح هستیم؟ زندگی حضرت زهرا (س) یک زندگی فقیرانه بود. وقتی که حضرت زهرا (س) می‌خواست به خانه شوهر بروند با اینکه پیامبر (ص) می‌دانست که حضرت زهرا (س) چه شخصیتی است و چه ظرفیتی دارد اما توصیه‌هایی به آن حضرت فرمود. فرمود مبادا از سخن و حرف زنان دیگر غمگین شوی که شوهرت فقیر است. فقر برای ما و انبیاء و برای من عین غنا است. پیامبر (ص) این توصیه‌ها را فرمود تا این ملاک در زندگی قرار بگیرد که آنچه که برای مرد در زندگی مهم است ایمان و عقیده و اخلاق و آن ارزشهای والای انسانی است اینها چیزهایی است که باید اصل قرار بگیرد. مشکلات مالی با کار و تلاش و کوشش قابل حل است اما اگر این جوهر نباشد و دنیایی از امکانات مادی فراهم باشد هیچ ثمری برای حیات طیبه انسانی ندارد.

حضرت زهرا (س) کسی بود که با اینکه فاصله منزلش با منزل پیامبر (ص) خیلی نبود اما آن قدر بین این پدر و دختر ارتباط عاطفی که بود که پیامبر (ص) این فاصله را تحمل نکرد و خانه‌ای را در نزدیکی خانه خودش فراهم کرد برای اینکه صدیقه طاهره (س) در آن خانه سکونت کند یعنی بی‌تاب بود و دل‌تنگ می‌شد. اینها مطالبی است که در تاریخ و جوامع روایی اهل سنت هم نقل شده است. عایشه احادیث متعددی در مورد احترام ویژه و منزلتی که پیامبر برای دخترش قائل بود نقل می‌کند. یک دختری که دختر اول شخص عالم اسلام است و همه امکانات می‌توانست برایش فراهم باشد اما ببینید سبک زندگی او چگونه است.

موضوع سبک زندگی حضرت زهرا (س) یک موضوعی است که از ابعاد مختلف قابل بررسی است. سخن و حرف من این است که ایام فاطمیه ضمن ذکر مصائب و رنجهای حضرت زهرا (س) به این بُعد هم پرداخته شود و چه بسا این بُعد امروز بیشتر مورد نیاز است. هم برای زندگی جوانان و هم برای دختران و زنان. بله آن رنجها و مصائب بوده و باید گفته شود ولی ارزش واقعی بانویی مثل فاطمه زهرا (س) وقتی روشن می‌شود که بدانیم در چه شرایطی بود و چه رنجها و مصیبت‌هایی کشید ولی در عین حال چگونه زندگی کرد. ارتباط عاطفی با وجود مقدس حضرت زهرا (س) لازم است ولی این باید سرمایه‌ای برای درس پذیرفتن و الگو پذیری از وجود مقدس حضرت زهرا (س) شود. واقعاً چه مقدار مردم نسبت به این شخصیت شناخت دارند؟ شناخت عمومی محدود شده به اینکه پیغمبر زاده‌ای بوده که به شدت مورد ظلم واقع شده و همسر علی (ع) و مادر ائمه است، اما منزلت علمی حضرت، اخلاق و رفتارش در منزل باید به گونه‌ای معرفی شود که مردم گمان نکنند که این شخصیت‌ها، یک شخصیت‌هایی بودند که یک زندگی غیر بشری داشتند و اساساً امکان اینکه ما بخواهیم به آنها نزدیک شویم، وجود ندارد. این بزرگان را باید به گونه‌ای معرفی کنیم که همه در این مسیر

حرکت کرده و در این طریق گام بردارند. سبک زندگی حضرت (س)، امروزه یکی از ضروری ترین و لازم ترین موضوعاتی است که باید از هر فرصتی برای بیان آن استفاده کرد. این موضوعی است که بسیار مهم است و نباید در این ایام مغفول واقع شود. گریه کردن بر مصیبت‌های صدیقه طاهره لازم است اما از این گریه کردن‌ها و مجالس و محافل و یادبودها باید برای مسیر حرکت آینده خودمان و جوان‌هایمان استفاده کنیم.

ان شاء الله خداوند توفیق دهد که بتوانیم از زندگی حضرت زهرا (س) الگو بگیریم و این الگوی زیبا و بی بدیل را برای دیگران بیان کنیم.

«الحمد لله رب العالمین»